

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه جمعه

حضرت امير المؤمنين

سیدنا میرزا مسرور احمد ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز

خلیفہ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مہدی علیہ السلام

ایراد شدہ در ۷ آوریل ۲۰۲۳ مصادف با ۱۸ فروردین ۱۴۰۲

حضرت خلیفہ پنجم مسیح ایدہ اللہ تعالیٰ بنصرہ العزیز پس از تلاوت
تشہد، تعوذ و سورہ فاتحہ فرمودند:

خداوند متعال دین و شریعت را بہ وسیلہ پیامبر اکرم صل اللہ علیہ و آلہ
وسلم کامل کرد و در قرآن کریم فرمود:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را
برای شما بہ عنوان دین انتخاب کردم.

بنابراین، این نعمت بزرگ خداوند متعال بر مسلمانان است کہ بہ آنها
شریعت کامل دادہ است. تنها اسلام است کہ چنین ادعایی کردہ است و
هیچ دین دیگری چنین ادعایی نکرده است. یعنی دین نہایی اسلام است و
این دین در نزد خداوند متعال عزیزتر است. حال اگر کسی بخواید رضای
خدای متعال را بدست آورد، چاره ای جز پذیرش اسلام و عمل بہ تعالیم آن

ندارد. خداوند متعال اعلام می‌دارد که فقط با تعالیم قرآن کریم می‌توان به پیشرفت اخلاقی و معنوی دست یافت. در واقع این آموزش به قدری کامل است که حتی برای رسیدن به موفقیت دنیوی نیز تنها با پایبندی به این آموزش می‌توان به آن دست یافت. بنابراین، در رابطه با تعالیم آن، هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید: اُكْمَلْتُ یعنی تمام توانایی‌های انسان اعم از اخلاقی و روحی و جسمی فقط با تمسک به قرآن به دست می‌آید. این تعالیم کامل تنها در صورتی حاصل می‌شود که انسان واقعاً بخواهد به آن پایبند باشد. و با بیان اینکه: اُتَمَمْتُ قاطعانه بیان می‌کند که این قرآن کریم است که به تنهایی می‌تواند تمام نیازهای انسان را برآورده کند.

هیچ نیازی که قرآن به آن نپرداخته است، خواه مربوط به نیاز مادی یا معنوی انسان باشد یا راه‌های رسیدن به مراحل مختلف اخلاق. هر چه انسان جست و جو کند، به شرط تحلیل عدالت، در آموزه‌های قرآن کریم یافت می‌شود. بنابراین، قرآن کریم از طریق این آیه آشکارا اعلام کرده است که انسان تنها با پیروی از این تعالیم می‌تواند زنده بماند. و اینکه این آموزه برای هر دوره و هر فرد در سراسر جهان است. علاوه بر این، تمام معارفی که در گذشته از طریق پیامبران نازل شده، موقتی بوده و تنها مربوط به آن عصر بوده است. آنها برای همه نوع بشر نبودند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام صریحاً اعلام کرده اند که این دلیل بر تحقق علت ظهور پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم است. ایشان پیامبر کامل و خاتمی بودند که تعالیم کامل بر ایشان نازل شد. بنابراین، این اعتقاد

ما است و این همان چیزی است که ما از صمیم قلب برای آن دفاع می‌کنیم. کسانی که علیه حضرت مسیح موعود علیه السلام ادعا می‌کنند، که اگر این همان چیزی است که ما معتقدیم و قبول داریم که قرآن آخرین شریعت و پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم آخرین پیامبر هستند، پس چه نیازی است. از ادعای مسیح موعود دلیل ادعای حضرت مسیح موعود علیه السلام چیست و علت ظهور ایشان چیست؟ حضرت مسیح موعود علیه السلام این را پاسخ داده اند و پاسخ های زیادی دارد:

حضرت مسیح موعود علیه السلام به جهات مختلف به این امر پاسخ داده اند و در یک جا می‌فرمایند:

”اگر به معارف اسلامی عمل می‌کردید، دیگر نیازی به ظهور من نبود. با این حال، وضعیت عمومی عصر، و به ویژه مسلمانان، نیاز به یک معلم را صدا می‌کند. کسی که بتواند ایمان را بیاموزد.“

همچنین خود پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم با توجه به فراموشی این معارف، فرمودند که برای تجدید حیات آن در هر قرن یک مجدد ظهور می‌کند. ایشان پیشگوئی کردند: با وجود اینکه قرآن یک آموزه کامل است، مسلمانان معارف آن را فراموش می‌کنند، بدعت‌های جدیدی در میان آنها پدیدار می‌شود و لذا برای احیای ایمان، مصلحان و در روزهای آخر موعود ظهور می‌کنند. مسیح و امام مهدی ظهور می‌کنند که ایمان را از ستاره ثریا به زمین باز می‌گردانند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در سراسر ادبیات و نوشته‌ها و کتاب‌های خود نوشته اند که در بندگی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم آمده اند تا شریعت و دین پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم و معارف قرآن را تبلیغ کنند. و اینکه ایمان به واسطهٔ پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم کامل شده است. حضرت مسیح موعود علیه السلام فرمودند که ظاهر شده است تا همین تعلیم را در گوشه و کنار زمین گسترش دهد. کمال ایمان با نزول قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کامل شد و چون در آن زمان ابزاری برای تبلیغ این هدایت وجود نداشت، بنابر حضرت مسیح موعود علیه السلام عابدحقیقی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را در این عصر فرستاد. این وظیفه ای است که حضرت مسیح موعود علیه السلام انجام دادند و برای ادامهٔ این وظیفه جماعت احمدیه تأسیس شد. جماعت احمدیه این وظیفه را با توجه به ادبیات و توضیحات ایشان در قرآن انجام می‌دهد. بنابراین، تک تک احمدی‌ها باید توجه داشته باشند که تا چه حد به این هدف می‌رسند. به عنوان یک جماعت برنامه‌هایی برای این کار وجود دارد، اما باید این کار را به صورت فردی نیز انجام داد. بنابراین، هدف ما از بیعت تنها زمانی محقق می‌شود که این هدف را در ذهن داشته باشیم. برای این کار باید همیشه به خواندن و فهم قرآن کریم توجه داشته باشیم. بهترین راه برای این کار از طریق کتب و نوشته‌های حضرت مسیح موعود علیه السلام است.

مدتی است که در پرتو نوشته‌های حضرت مسیح موعود علیه السلام به بیان صفات و مفاخر قرآن کریم می‌پردازم. امروز نوشته‌های ایشان را در رابطه با کمالات قرآن کریم و معارف آن تقدیم می‌کنم.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”به خوبی ثابت شده است که قرآن کریم ایمان را به درستی کامل کرده است، چنان که خود تأیید می‌کند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و خوشحالم که اسلام را به عنوان ایمان انتخاب کنم. پس نیازی به کتاب دیگری بعد از قرآن نیست، زیرا هر آنچه انسان نیاز دارد را بیان می‌کند. اکنون فقط باب گفتگو با خدا باز است.

همانا خداوند متعال با بندگان خاص خود صحبت می‌کند و باب گفتگو باز می‌ماند، اما این تعلیم جدیدی نیست.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”درب گفتگو باز است اما نه به طور خودکار. سخنان راستین و مقدس که آشکاراً از کمک الهی آغشته است و امور پنهان بسیاری را در بر می‌گیرد، پس از تهذیب نفس، تنها با عمل به قرآن کریم و اطاعت از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم حاصل می‌شود.“

کتاب کاملی است، پس با پیروی از آن و اطاعت کامل از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم است که می‌توان به راه‌های ایجاد پیوند با خداوند متعال دست یافت. هیچ راه و وسیله دیگری در کنار این وجود ندارد. حضرت مسیح موعود علیه السلام تصریح فرمودند که مقامی که به ایشان عطا شده، به همین دلیل بوده است.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام در رابطه با هدایت کامل قرآن کریم می‌فرمایند:

”قرآن کریم نمی‌خواهد که انسان صرفاً گناه را ترک کند و خود را برتر بداند (ترک بدی به تنهایی موجب تعالی نمی‌شود)، بلکه می‌خواهد انسان را به بالاترین مراتب کمال و اخلاق عالی برساند.“

قرآن کریم نه تنها انسان را به ترک گناه می‌خواهد، بلکه می‌خواهد در آن تعالی و اخلاق نیکو ایجاد کند. یعنی باید بدی را ترک کرد و به جای آنها اخلاق عالی را اتخاذ کرد. «آن‌گونه اعمالی انجام می‌شود که به نفع و همدردی با مردم است و در نتیجه خداوند متعال از آن خشنود است». خشنودی خداوند متعال باید نتیجه آن باشد.

از این رو، این طرز فکری است که بر اساس آموزه‌های قرآنی باید داشته باشد. ما باید تحلیل کنیم که آیا این طرز فکری است که ما داریم. آیا ما فقط ادعا می‌کنیم که آن را مانند دیگران می‌خوانیم یا واقعاً این تغییرات را به خود القا می‌کنیم؟ آیا ما رابطه خاصی با خداوند متعال ایجاد می‌کنیم؟

قرآن کریم در ماه رمضان [به ویژه] تلاوت می‌شود و دروس [سخنرانی] گوش داده می‌شوند. تلقین اینها در زندگی نیز لازم است و ما نیز در بیعت خود قول داده ایم که این کار را انجام دهیم. در شروط ده گانه [بیعت] آمده است که حجیت قرآن را برای خود یکسره می‌پذیرد. بنابراین، اگر تک تک ما در این ماه رمضان عهد کنیم که به آن عمل کنیم و عزم راسخ داشته باشیم که به آموزه‌های قرآن کریم عمل کنیم، نه تنها در معنویت خود پیشرفت خواهیم کرد، بلکه جامعه ما نیز پیشرفت خواهد کرد. همچنین مانند بهشت شود. علاوه بر این، دعاها و مشاجراتی که هر از گاهی در خانه و بین خانواده‌ها پیش می‌آید، تبدیل به عشق و محبت می‌شود.

همچنین حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن تشریح این حقیقت که بذر شریعت الهی در زمان قرآن کریم به اوج خود رسید، می‌فرمایند:

”قرآن کریم در امر به معروف و نهی از منکر کامل و کامل است. (قطعاً به اعمالی که انسان باید انجام دهد راهنمایی می‌کند و اعمالی را که باید از آن‌ها دوری کند روشن می‌کند). پس خداوند از طریق قرآن کریم خواست تا اصلاح همه بدی‌ها را فراهم آورد، حتی پس از آن که فطرت انسان به اعماق فسق رسید و مردم از مرز گمراهی و فسق فراتر رفتند. بر این اساس، خداوند قرآن کریم را در زمانی نازل کرد که در حقیقت چنین شرارتی در نوع بشر ریشه دوانده بود و با گذشت زمان، عقاید و اعمال گناه آلود انسان را فرا گرفته بود. حکمت الهی ایجاب می‌کرد که کلام کامل خداوند در چنین زمانی نازل شود، زیرا اگر این تعلیم قبل از ظهور چنین بیماری‌هایی

در میان مردم نازل می‌شد و کاملاً از این اعمال ناخوشایند بی‌خبر بودند، به عبارت دیگر، آنها را به آن بیماری‌ها تحریک می‌کرد.“

اگر از قبل به انسان اطلاع داده می‌شد که فلان بیماری وجود دارد و مردم قبلاً هیچ تصویری از آن نداشتند، در واقع این امر وسیله ای برای گسترش آن می‌شود.

این روزها در سیستم آموزشی شاهد این هستیم. به کودکان در مورد مسائلی مانند روابط فیزیکی آموزش داده می‌شود که آنها مطلقاً هیچ مفهومی از آنها ندارند. آنها از [این گونه امور] مضطرب و سرگردانند. اکنون والدین نیز صدای خود را در برابر آنچه که آموزش داده می‌شود بلند کرده اند. در واقع، وزارت آموزش و پرورش نیز این نگرانی را پذیرفته است. برخی از معلمان از محدودیت‌ها عبور کرده اند و ایده‌ها و مفاهیمی را به کودکان معرفی کرده اند که تا زمانی که به سن بلوغ نرسند نمی‌توانند آنها را درک کنند. این تفاوت بین شریعت و قانون سکولار است. این اصل رهنمودهای موجود در قرآن کریم را از این جهت متمایز می‌کند که بر اساس سن فرد راهنمایی و تبیین می‌کند. همه چیز را آشکارا [برای همه اعصار] نمی‌دهد. با توجه به شعور و فهم افراد مختلف، تفاسیر بسیاری از کلمات آن به تدریج بیرون آمده است. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: ”بذر وحی خدا در زمان حضرت آدم کاشته شد و همین بذر شریعت خدا در زمان قرآن مقدس به مرحله نهایی رسید و به صورت درخت بزرگی در آمد.“

بنابراین، با گسترش بیشتر رذایل، علاج آنها نیز به اقتضای زمان آشکار شد. این یکی دیگر از ویژگی های قرآن کریم است؛ در آموزه های آن برای تمام رذیلت هایی که در هر عصری رایج است، چاره ای یافت می شود و از بندگان متقیان خداوند متعال که تفاسیر آن را می نویسند، از این امر مطلع می شویم.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می فرمایند:

”از آنجا که مقدر این کتاب کامل اصلاح کامل بود، لازم بود بیماری روحی نیز در زمان و مکان نزول در اوج باشد. این برای این بود که بتوان برای هر بیماری یک درمان کامل ارائه کرد. به این ترتیب، این شبه جزیره (یعنی در عربستان) محل زندگی افراد مریضی از هر نوع بود که از هر بیماری روحی که قرار بود به مردم آن عصر یا نسل های آینده مبتلا شود، رنج می بردند.

در اینجا بیشتر توضیح داده شده است که این بیماری های روحی یا در زمان خود وجود داشته و یا در نسل های آینده رواج یافته و قرآن کریم برای همه اینها تعلیم داده است. از آنجایی که شریعت در حال کامل شدن بود و هر گونه بیماری روحی که در آینده ظاهر می شد نیز توضیح داده شد و زمان آن نیز چندان دور نبود. از این رو مفسران قرآن کریم را متناسب با شرایط زمانه تبیین کردند و به آنها گفته شد که تا چه اندازه قرآن را تبیین و تبیین کنند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام ادامه می دهند

”به همین دلیل است که قرآن همه احکام دینی را به کمال رساند. در زمان نزول کتب دیگر نه به این نیاز بود و نه چنین تعلیم کاملی داشتند..“
حضرت مسیح موعود علیه السلام در اینجا ثابت کردند که خود یهودیان و مسیحیان تصدیق می کردند که عصری بسیار فاسد شده بود و در آن زمان نیاز به قانون دینی وجود داشت.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن توضیح این که قرآن کریم را به هیچ وجه نمی توان به هیچ کار انسانی تشبیه کرد، مثالی می آورد و می فرماید:

”برای مثال، برای هر انسان منطقی باید کاملاً واضح باشد که اگر نویسندگان مختلف بنویسند (یعنی کسانی که خوب صحبت می کنند و می نویسند)، با استفاده از بهترین استعداد فکری خود، قطعه ای از نثر - عاری از بیهودگی، دروغ و پستی. پرحرفی های بیجا، طنز و هر نوع زبان مبهم و ناروا، و تمام عیب هایی از این دست که با حکمت و شفافیت و فصاحت منافات دارد. و نیز کاملاً منزّه و منزّه از این گونه عیوب شدید است که منافی کمال و جامعیت است (یعنی از انواع بیهوده ها و باطل ها و امور بیهوده و منکرات و نیز استهزاء و تمسخر و غیره و آن چیزها پاک باشد. که ارزشی ندارند و حتی هیچ معنایی ندارند و تهی از حکمت و فصاحت هستند، کسی که نویسنده خوبی است سعی می کند چیزی بنویسد که از همه این چیزها فارغ باشد، این ویژگی یک نویسنده خوب است که نوشتن

آن است. عاری از هر گونه فسق و بی اخلاقی) و در عین حال کاملاً جامع و راستگو و سرشار از حکمت و صراحت و بلاغت و حقایق است، در این صورت بر همه آنها برتری خواهد یافت. که دارای بیشترین استعداد فکری، دانش عمومی گسترده، تخصص در موضوعات عمیق فکری است، و همچنین در هنر نثر نویسی مهارت دارد. (یعنی فقط کسی که تحصیل کرده، عالم و باتجربه باشد، می‌تواند چنین نثری با این معیار بنویسد که عاری از همه آن بدی‌ها باشد). کسی که از نظر توانایی و دانش و مهارت و تجربه و ذهن و عقل از او پایین‌تر است به هیچ وجه نمی‌تواند از نظر شیوایی نوشته‌اش با او برابری کند.»

کسی که این توانایی‌ها را ندارد نمی‌تواند چیزی در حد استاندارد بنویسد. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

نمونه دیگر پزشک متخصص در حرفه خود است (یعنی پزشک متخصص که) طی سالها تجربه در تشخیص و درمان بیماری مهارت کسب کرده است (و دانش کاملی از بیماری دارد و قادر است مراحل مختلف آن را به طور مؤثر تشخیص دهد)، و همچنین در دانش خود از ادبیات ممتاز است و به عنوان نویسنده و شاعر به برتری چشمگیری دست یافته است (یعنی این ویژگی دیگری است که او دارد). حال، وقتی این پزشک علل، ماهیت و علائم یک بیماری را توضیح می‌دهد، می‌تواند آن را به مراتب دقیق‌تر، صادقانه‌تر، شفاف‌تر و شیواتر از فردی که حتی از راه دور با پزشکی آشنا نیست و همچنین کاملاً ناآگاه است، انجام دهد. از ظرافت های بیان ادبی.»

کسی که فاقد چنین خصوصیتی است، در مقایسه با کسی که در رشته خود دارای دانش و تخصص و همچنین مهارت بیان خود و هنر تحقیق است، نمی‌تواند این ویژگی‌ها را به شیوایی توضیح دهد. کسی که دانش محدودی دارد در این زمینه با او برابری نخواهد کرد و از او پست تر خواهد بود. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”این یک واقعیت بدیهی و به راحتی قابل درک است که همیشه بین گفتمان جاهلان و خردمندان تا حدودی تفاوت وجود دارد. و برتری فکری انسان همیشه در بیان علمی او منعکس می‌شود، همانطور که یک چهره در آینه ای شفاف منعکس می‌شود. کلماتی که انسان در بیان حقیقت و حکمت خود بیان می‌کند، معیاری برای سنجش توانایی های فکری او محسوب می‌شود. کلماتی که از چشمه وسعت معرفت و عقل کامل سرچشمه می‌گیرد و سخنانی که از اندیشه تنگ و تنگ و تاریک و محدود سرچشمه می‌گیرد، به وضوح متمایز است.

گفتمان یکی را می‌توان به چشمه‌ای از دانش و حقایق تشبیه کرد، در حالی که گفتمان دیگری بسیار اساسی است و تفاوت را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”تفاوت ظاهری است همانطور که عطر از بوی بد متمایز است، مشروط بر اینکه حس بویایی فرد به طور مادرزادی معیوب یا موقتاً مختل نشود.

می‌توانی هر قدر که می‌خواهی در آن تأمل و تدبر کنی، از هیچ منظری نه در این حقیقت عیبی پیدا می‌کنی و نه نقطه‌ای در آن می‌یابی.

اکنون که از هر جهت مشخص شده است که تفاوت‌هایی که نهفته در مهارت ادبی و عقلانی است، در گفتار فرد منعکس می‌شود و به هیچ وجه نمی‌توان آن‌هایی را که از نظر عقل و دانش برتر و برتر هستند، برابر باشند. دیگران در شفافیت بیان یا تعالی معنا، و هیچ تمایزی بین آنها باقی نمی‌ماند. (کسانی که علم و حکمت دارند همیشه در این زمینه برتر هستند و نمی‌توانند از نظر رتبه با یک فرد عادی برابری کنند). این حقیقت مستلزم حقیقت دیگری است. یعنی کلام خدا باید عالی‌ترین، برتر و غیرقابل‌قیاس‌تر از کلام انسان باشد، چه در تعالی ظاهری و چه درونی‌اش.“

با این مثال ثابت می‌شود که کلام الله جل جلاله بر همه چیز برتر است، زیرا خدای متعال صاحب همه علم است و هیچ کس از او علم بیشتری ندارد. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”این به این دلیل است که علم هیچ کس نمی‌تواند با معرفت کامل خداوند برابری کند. این همان چیزی است که خداوند در آیه شریفه به آن اشاره می‌کند: **فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ**

یعنی اگر کافران نتوانستند مانند این قرآن را بیاورند و نتوانند آن را به چالش بکشند، بدان که این کلمه [یعنی قرآن] از علم انسان سرچشمه نگرفته، بلکه از معرفت خدا سرچشمه گرفته است. (از آنجا که آنها حتی

نمی‌توانند یک مثال مانند این را بیاورند، پس بدیهی است که این کار هیچ انسانی نیست مگر کلام خدا) و در مقایسه با دانش بی‌کران و کامل او، همه دانش بشری بی‌ارزش و ناچیز است. این آیه از نوعی استدلال استقرایی برای اثبات وجود علت از وجود معلول استفاده می‌کند. به اختصار و به عبارت دیگر می‌گوید علم الهی به دلیل کمال و جامعیت هرگز نمی‌تواند شبیه به معرفت ناقص انسان باشد. بنابراین، ضروری است که کلامی که از علم کامل و غیرقابل مقایسه سرچشمه می‌گیرد، خود کامل و غیرقابل مقایسه باشد و نسبت به کلام انسان تمایز کامل داشته باشد. این همان کمالی است که در قرآن کریم بیان شده است.

قرآن کریم از هر جهت ادعای کامل بودن کرده است و کسی نیست که بتواند آن را چه در حال حاضر و چه در آینده به چالش بکشد. سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند که قرآن کریم در مراتب علم و در مراتب سیر به کمال رسیده است. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”همانطور که قرآن کریم انسان را به بالاترین درجه کمال در مراتب علم می‌رساند، در مراتب سلوک نیز به وسیله آن به کمال می‌رسد. (هم در علم و هم در رفتار انسان را به کمال می‌رساند). نشانه‌ها و نور پذیرفته شدن توسط خدای یگانه حقیقی همیشه در کسانی که از این کلام مقدس پیروی می‌کنند ظاهر شده است - و همچنان ظاهر می‌شود، اما هرگز در دیگران ظاهر نمی‌شود. در خاتمه، این دلیل که انسان می‌تواند به چشم خود

مشاهده کند، برای جوینده حقیقت کافی است. یعنی آن نعمت‌های بهشتی و نشانه‌های الهی فقط در پیروان کامل قرآن کریم است.

اگر انسان کاملاً به آموزه‌های قرآن کریم پایبند باشد، شاهد نشانه‌هایی نیز خواهد بود. مردم اغلب می‌پرسند که هیچ نشانه‌ای را مشاهده نکرده‌اند و یا اینکه با وجود اینکه مدت زیادی دعا کرده‌اند، دعایشان مستجاب نشده است. در این باره خداوند متعال می‌فرماید که برای این کار باید به سخنان او گوش فرا داد و به او ایمان کامل داشت و به هدایت او عمل کرد. وقتی کسی این کار را کرد، دعای او نیز مورد اجابت خداوند متعال قرار می‌گیرد. این نیز از صفات قرآن کریم است که پیروان تعالیم قرآن کریم به برکات فوق العاده‌ای دست می‌یابند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: که قرآن کریم تمام حقایق و حقایق را به طور کامل جمع بندی کرده است. کلمه «اعجاز» در اینجا به معنای معجزه نیست، بلکه با «الف»، «یا» و «جیم» (در زبان عربی) نوشته شده است که به معنای فشرده کردن در آن است. در همین رابطه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”قرآن کریم روان و بلاغت خود را در رعایت موازین حق و حکمت و نیاز واقعی نشان داده است. و با نهایت اختصار تمام حقایق دینی را درک کرده است و از این رو پر از دلایل روشن برای ساکت کردن هر مخالف و منکری است. و می‌بیند که از میان آن نهری ژرف و زلال از هزاران نکته لطیف

[حکمت] و حقیقت برای کمال یقین مؤمنان جاری است. در هر امری که بی‌نظمی دیده، برای اصلاح همین امور تلاش کرده است. با هر شدتی که عادت به افراط پیدا کرده، با همان قدرت با آن مقابله کرده است. برای انواع بیماری‌هایی که فراگیر بودند، راه‌حل‌هایی ارائه کرده است، همه آموزه‌های نادرست ادیان باطل را از بین برده است (تمام شبهات ادیان باطل را برطرف کرده است)، و به هر اعتراضی پاسخ داده است. حقیقتی نیست که ذکر نکند و هیچ فرقه گمراهی نیست که با آن مخالفت نکند (همه گمراهان ادله آنها را هم رد کرده است. در این زمینه احکام روشنی دارد). و چه شگفت‌انگیز است که شامل یک جمله غیر ضروری، هیچ جمله بیجا و یا یک کلمه بیهوده نیست. علیرغم توجه به همه این موارد، چنان درجاتی از تسلط را نشان داده است - بیش از آن که نمی‌توان تصور کرد. (تمام جوانب را در بر گرفته است و این کار را بسیار مختصر و در عین حال شیوا و به شیوه‌ای بیان کرده است). فصاحت را با گنجاندن تمام دانش گذشته و آینده در یک کتاب کوچک به واسطه چینش عالی، ایجاز، و گفتمانی کاملاً مستدل، به بالاترین سطح کمال رسانده است.

برای کسانی که در قدیم آمده بودند، دربرگیرنده علم بود، همانطور که قبلاً توضیح دادم که حضرت مسیح موعود علیه السلام فرمودند:

” که بادیه نشینان عرب نیز توانستند قرآن کریم را بفهمند و به افراد روحانی و تحصیلکرده تبدیل شدند. در عین حال، صاحبان علم نیز می‌توانستند آن را مطابق عقل خود بفهمند. علاوه بر این، فقط برای کسانی

که قبلاً آمده اند نیست، بلکه برای کسانی که بعداً آمده اند نیز مناسب است. تعلیم قرآن کریم به گونه ای است که تفاسیر آن در هر عصری به تک تک کلمات آن معنا می‌بخشد و ما را در هر عصری راهنمایی می‌کند. در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: که همه این علم در کتاب کوچکی آمده است.

تا انسانی که عمرش کوتاه و آثارش فراوان است، از سردردهای فراوان رها شود و فصاحت آن در نشر عقاید اسلام سودمند باشد و به خاطر سپردن آن آسان باشد.

مردم حتی قرآن را حفظ می‌کنند، مخصوصاً کودکان در سنین پایین. حضرت مسیح موعود علیه السلام در کتاب «براهین احمدیه» ثابت کرده اند: که از نظر تألیف و فصاحت مکتوب، فقط قرآن کریم می‌تواند حقایقی را بیان کند که بی نظیر است و کتبی مانند انجیل و غیره، دیگر نمی‌توان به دلیل درون یابی انسانی، الهی تلقی کرد.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در مورد اعجاز ترکیب اجمالی قرآن می‌فرمایند:

”وقتی انسان عادل قرآن کریم را می‌خواند، فوراً در می‌یابد که قرآن کریم در بیان مختصر چنین شگفتی را انجام داده است - لازمه فصاحت ضروری است - (یعنی قرآن مطالبی را به نحوی عالی بیان کرده است. به صورت مختصر اما واضح) که علیرغم داشتن تمام ضروریات ایمان و رضایت کامل

همه ادله، به اندازه ای کوچک است که انسان می‌تواند به راحتی آن را در چند ساعت از ابتدا تا انتها بخواند. (کلمات مختصر است تا مردم بتوانند آن را به راحتی بخوانند) نگاه کنید! فصاحت قرآن چه معجزه بزرگی است که اقیانوسی از علم را در سه یا چهار جزئی در بر می‌گیرد و در چند صفحه کل عالم حکمت را در بر می‌گیرد. آیا کسی تا به حال کتابی به این اندازه کوچک که حاوی حقایق ابدی برای همه زمان‌ها باشد دیده یا شنیده است؟ آیا عقل هر خردمندی می‌تواند برای کسی مقام بزرگی قائل شود که اقیانوسی از حکمت را در چند کلمه به دست آورد که در آن هیچ حقیقتی از علم دینی نادیده گرفته نشود؟

اینجا حضرت مسیح موعود علیه السلام با ویداه‌ها، کتاب مقدس هندوها مقایسه می‌کنند. ایشان به اثبات رساندند که ویداه‌ها آنطور که قرآن کریم نوشته شده است. علاوه بر این، ویداه‌ها دارای قطعات طولانی است که خواندن آنها دشوار است. حضرت مسیح موعود علیه السلام همه ادیان را به چالش کشیدند که بیاید تمام صفات قرآن کریم را نشان دهم. در این عصر، هیچ کس جز حضرت مسیح موعود علیه السلام چنین چالشی را برای همه جهان مطرح نکرده است. با وجود این، این ادعا به ما وارد می‌شود که خدای ناکرده به قرآن کریم بی‌حرمتی می‌کنیم.

عصری که قرآن کریم در آن نازل شد، نیاز به تعلیم کامل داشت. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”تنها قرآن کریم است که تعلیم کاملی می‌دهد و تنها در زمان آن بود که چنین تعالیمی نازل می‌شد. (این مطلب قبلاً نیز به اختصار ذکر شد). بنابراین، این قرآن کریم است که به تنهایی می‌تواند ادعای ابلاغ تعالیم کامل را داشته باشد و هیچ کتاب آسمانی غیر از آن چنین ادعایی نکرده است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرماید:

”به نظر من مؤمن کسی است که واقعاً به قرآن تمسک کند و آن را خاتم کتاب پندارد. این ویژگی مؤمن است؛ این شریعت را که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم آورده اند، همیشه جاودان بدانیم. هرگز حتی ذره ای از پیام را تغییر ندهد. به طور کامل و ایثارگرانه در پایبندی به آن جذب شود. تمام ذرات وجودشان را فدای آن کنند. و اطمینان حاصل شود که اعمال و ایدئولوژی آنها با شریعت آن در تضاد نیست.“

اگر کسی این کار را انجام دهد، می‌توان او را مسلمان واقعی دانست. بنابراین ما باید خود را در این زمینه ارزیابی کنیم.

حضرت مسیح موعود علیه السلام با توجه به آخرین کتاب قرآن کریم می‌فرمایند:

”ظهور قرآن کریم در زمانی بود که هر نیازی که ممکن بود پیش آید، پیش آمد. به عبارت دیگر، هر چیزی که مربوط به اخلاق، عقاید، گفتار و کردار بود، فاسد شده بود، در حالی که هر گونه افراط و بی‌نظمی به حد

خود رسیده بود. به همین دلیل بود که آموزه‌های قرآن کریم به بالاترین درجه نازل شد. دقیقاً به همین دلیل است که قانون قرآن کریم کامل شمرده می‌شد در حالی که قوانین قبلی ناقص بود، زیرا نابسامانی‌هایی که در اعصار گذشته آن کتب آسمانی نازل شده به اوج خود نرسیده بود، در حالی که در زمان قرآن به اوج خود رسیده بود.

بسیاری از مردم، کودکان، یا کسانی که وارد دوره نوجوانی می‌شوند در این مورد سوال می‌پرسند. این پاسخ برای آنها است. [بی‌نظمی‌ها در] ادوار گذشته به اوج خود نرسیده بود، در حالی که در این مورد [در زمان قرآن کریم] به اوج خود رسیده بود، به همین دلیل آموزش نیز به اوج رسید و از این رو قرآن کریم نازل شد. این گونه بود که به واسطه پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم اساس اسلام نهاده شد.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”بنابراین، وجه تمایز قرآن کریم با سایر کتب آسمانی نازل شده در این است که حتی اگر کتب آسمانی قبل از هرگونه تحریف پاک می‌ماند، چون تعلیم ناقصی ارائه می‌کرد، باز هم بود. لازم است یک تعلیم کامل و به تعبیر دیگر قرآن کریم در مقطعی تجلی یابد.

آنها حتی با موارد خاصی مواجه نشده بودند، پس چگونه می‌توانستند به آنها رسیدگی کنند؟ تعلیمات آنان ناقص بود و به همین دلیل ظهور قرآن کریم ضروری بود.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: «اما قرآن اقتضا نمی‌کند که بعد از آن کتاب دیگری باشد، زیرا هیچ مرتبه‌ای فراتر از کمال نیست. اگر برای گفت‌وگو، در مقطعی اصول واقعی قرآن کریم به مبانی شرک‌آمیز مانند ویدها یا اناجیل تبدیل شد و تعالیم توحید خداوند تغییر و تحریف شد. یا فرضاً زمانی فرا می‌رسد که میلیون‌ها مسلمان موحد در سراسر جهان شرک را پذیرفته و خلقت را می‌پرستند، آنگاه می‌توان پذیرفت که قانون و رسول دیگری لازم است.

اگر چنین شرایطی پیش بیاید، قطعاً چنین خواهد شد، اما هر دوی این تصورات صرفاً فرضی هستند، زیرا با توجه به اینکه خداوند متعال از خود این قانون را وعده داده است، غیرممکن است. این همان هدفی بود که حضرت مسیح موعود علیه السلام مبعوث شدند و وظیفه‌ها نیز دقیقاً همین است.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”همان گونه که خداوند متعال بارها فرموده است، لازمه رستگاری این است که اولاً خدای متعال را یکتا و بی‌شریک بدانند، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد و به قرآن ایمان آورد. کتاب خدا باشد و این کتاب چنان است که بعد از آن قانون دیگری نیاید. یعنی بعد از قرآن نیازی به کتاب و قانون نیست.“

حضرت مسیح موعود علیه السلام در مورد عظمت وحی قرآنی می‌فرمایند:

”لعنت خدا بر کسانی که ادعا می‌کنند می‌توانند چیزی شبیه به قرآن بیاورند. قرآن کریم معجزه ای است که هیچ انسان و جنی نمی‌توانند مانند آن را بیاورند. دارای چنان معارف و برتری‌هایی است که با دانش بشری جمع نمی‌شود. در واقع نزول آن با آیات دیگر بی‌نظیر است، حتی اگر خدای مهربان بعد از آن آیات دیگری نازل کند. زیرا خداوند از طریق آیات خود تجلی می‌کند و مسلم است که نحوه تجلی خداوند متعال بر خاتم پیامبران ﷺ پیش از این بر هیچ کس تجلی نکرده است و هرگز بر کسی تجلی نخواهد کرد. از نو عظمت وحی قرآن با درجه نزول اولیا قابل مقایسه نیست. (اولیاء یقیناً می‌توانند وحی دریافت کنند، ولی با عظمت [قرآن کریم] برابری نمی‌کند)، حتی اگر کلماتی شبیه کلمات قرآن بر آنها نازل شود. از این رو است که گستره معارف قرآنی همه را در بر می‌گیرد، زیرا هر نوع دانشی، امور پیچیده و پنهانی در آن جمع شده و نقاط ظریف آن در بالاترین درجات ژرفاست. در اقامه و برهان جایگزین دیگران است و از بالاترین درجه علم برخوردار است. این معجزه خداوند است که هیچ کس آن را نشنیده است و عظمت آن با کارهای جن و انس قابل مقایسه نیست. مصداق قرآن و آثار دیگر مانند رؤیایی است که پادشاهی عادل و شجاع و خردمند می‌بیند (اگر نمونه ای از آن مثال زده شود می‌تواند پادشاهی باشد که بسیار عادل و شجاع بوده که خواب دیده است.) و یک خواب مشابه را یک فرد معمولی بی‌شعور و ترسو دید (شخص دیگری که هم قد و قامت نبود اما فردی عادی بود که چندان باهوش و شجاع نبود). شکی نیست که

گرچه خوابی که شاه می‌بیند و خوابی که شخص معمولی می‌بیند یکسان به نظر می‌رسد (رویاها شبیه به هم بوده اند)، اما عاقل که به تعبیر علم دارد آنها را یکی نمی‌داند. شخص باهوشی که تعبیرش را بلد باشد، خواهد گفت که این رویاها یکی نیستند) زیرا تعبیر پادشاه عادل از استاندارد بالایی برخوردار است، عموماً کاربردی، سودمند، به نفع همه مردم، سرشار از خیر و برکت و به وضوح جاری است. رویای او دامنه وسیعی دارد. با این حال، در بیشتر موارد، بینایی یک فرد معمولی خالی از در هم ریختن ناخالصی‌ها نیست. به غیر از او، هیچ کس به جز فرزندان، والدین، یا تعداد انگشت شماری از دوستانشان تأثیری ندارد.» دامنه آن به خانواده، فرزندان، پدر یا سایر بستگان و دوستان آنها محدود می‌شود. اگر چیزی سودمند باشد، فقط به آنها محدود می‌شود.

در ادامه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «شاید حتی مسافرانی که غریبه باشند (حتی مسافران را نیز می‌توان در این فهرست قرار داد، چنانکه حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند خواب دیدن یک فرد عادی می‌تواند برای دیگران نیز تأثیرگذار باشد، البته فقط به کسانی که در مجاورت هستند، و هنوز محدود به کسانی است که شخص می‌شناسد. از زین فرود می‌آیند و به لانه می‌خزند (مسیح موعود علیه السلام این اصطلاح را به کار بردند که محدود می‌شوند و دامنه وسیع تری ندارند). ولی حال مضمولان قرآن کریم به گونه ای است که از هر مرز مسکن می‌گذرند (وسعت دارند). قرآن کریم کتاب واحدی است که نهرهای علم در زیر آن

جاری می‌شود و فصاحت کس بر فراز آن اوج نمی‌گیرد (هیچ کس بزرگتر از آن را ذکر نمی‌کند) هر حافظ گنجی از آن گنج و برکت خود را می‌یابد و به گمان من بدون این که این بدهی را متحمل شود، هر کسی که رفاقت داشته باشد دست خالی می‌ماند (اگر در اینجا بهره‌ای نبرد، کتاب دیگری نیست که بتواند صحیح تلقی شود). وام با تلاش زیاد به شدت مطالبه می‌شود تا جایی که حتی برای دریافت آن نزد قاضی برده می‌شود. اما قرآن کریم به فقیر صدقه می‌دهد و همه سختی‌ها را برطرف می‌کند. در واقع، بلوک‌های طلا را به کسانی که صادق هستند می‌دهد. مردم با کسانی که به آنها وام داده‌اند، دعواهای حقوقی را آغاز می‌کنند، اما قرآن کریم چنین دانشی را ارائه می‌دهد که باعث می‌شود جریان‌های معرفت و فهم آن به طور مداوم جاری شود. انگار آدم بلوک‌های طلا می‌گیرد. قرآن کریم به کسانی که به آنها وام داده است نمی‌بالد، بلکه مردم را به جمع آوری «طلا» تشویق می‌کند. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «اول ما را ظرف‌ها قرار دادند، سپس از نهر قرآن سیر شدیم. اگر از من بپرسید، من در ابتدا ظرفی صرف بودم و از نهر قرآن خود را از آب پر کردم.» این قطعه‌ای به زبان عربی است که به همین دلیل به سبکی منحصر به فرد نوشته شده و بر همین اساس نیز ترجمه شده است.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”به نظر من، لعنت خدا بر کسانی باد که جلال قرآن را انکار می‌کنند، در حالی که سخنان و اعمال خود را جاودانه می‌پندارند. به خدا سوگند ما از

آن چشمه می‌نوشیم و به زیبایی آن آراسته می‌شویم. از این روست که در کلام ما نور و صفا هست و کلام ما از نور و شفا و طراوت و زیبایی می‌درخشد. غیر از قرآن، احدی به من لطفی نکرده است. این مرا به گونه ای پرورش داده است که توسط یک مادر یا پدر قابل تکرار نیست. از این رو خداوند آن آب گوارا را به من نوشاند و ما آن را روشنگر و مفید یافتیم.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

”اگر هیچ نشانه ای از خدا را همراه نداشتیم و یاری او نبودم. یا مسیری جدا از قرآن کریم تراشیده بودم، یا در احکام قرآن و شریعت دخل و تصرف کرده یا آن را تعدیل کرده بودم یا آن را نسخ کرده بودم. یا اگر راه جدیدی را غیر از پیروی از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم مطرح کرده بودم. در آن صورت موجه بود و اعتراض مردم معقول و قابل قبول بود که این شخص در حقیقت دشمن خدا و رسول خدا و منکر قرآن است. و از تعالیم آن، و کسی که آنها را نسخ کند. اگر چیزی خلاف قرآن کریم و فرموده پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم بود، حق آنها بود که این سخنان را بگویند. فاسق، گناهکار، (حتی می‌توانند به او برچسب اینها بزنند) و مرتد است. اما من هیچ تغییری در قرآن ایجاد نکرده‌ام و حتی یک نقطه یا ذره‌ای از شریعت فعلی که پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم را تغییر نداده‌ام. برعکس، من وقف خدمت به قرآن و دستورات قرآنی و دین پاک پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم هستم و تمام عمرم را وقف این راه کرده‌ام. به علاوه، من اعتقاد راسخ دارم که رستگاری بدون قرآن کریم - که کتاب

کامل و کامل و جامع است - و بدون اطاعت کامل از آن و بدون پیروی از پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم به هیچ وجه ممکن نیست. من معتقدم هر کس چیزی به قرآن اضافه یا کم کند یا از یوغ اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرباز بزند، کافر و مرتد است. (کسی که خود را از اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دور کند و یوغ خضوع را از گردنشان بردارد، مرتد و کافرند) پس چنین است و با وجود تجلی هزاران نشانه. (صرفاً ادعای حضرت مسیح موعود علیه السلام نیست، بلکه خداوند متعال برای او نشانه‌هایی قرار داده است، پیشگویی‌های پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم در مورد حضرت مسیح موعود علیه السلام محقق شده است و همچنین پیشگویی‌های حضرت رسول ﷺ محقق شده است. به همین ترتیب، پیشگویی‌هایی که خداوند متعال برای حضرت مسیح موعود علیه السلام وصیت کرده بود، محقق شد و اکنون نیز محقق می‌شود) و علی رغم تجلی هزاران نشانه در آسمان‌ها و زمین. از طرف خدا در حمایت از راستگویی، اگر باز هم من را دروغگو، باطل و فریبکار بزرگ [دجال] خطاب کند یا به من احترام نگذارد و به دعوت من گوش ندهد. یقیناً بداند که خداوند هرگز او را رها نمی‌کند بدون اینکه او را در این مورد بازخواست کند. آنها در یک مقطع زمانی پاسخگوی آن خواهند بود.

بنابراین، این ادعای حضرت مسیح موعود علیه السلام است و ما اعتقاد راسخ داریم که تنها به واسطه اوست که معارف و حقایق قرآنی به ما راه یافته است که کاملاً به قرآن کریم تمسک کرده است. که او درک واقعی آن

را به ما منتقل کرده است. کسانی که ادعا می‌کنند خدای نکرده حضرت مسیح و جماعتش به قرآن اهانت می‌کنند. این سخنان کسی است که خداوند متعال او را برگزیده است. کسانی که از مخالفت خود کوتاه نمی‌آیند، مورد رحمت خداوند قرار نخواهند گرفت و مورد توجه قرار خواهند گرفت. خداوند متعال بهتر می‌داند که چگونه آنها را مجازات می‌کند و آنها را بازخواست می‌کند.

حضرت مسیح موعود علیه السلام در موارد بسیاری در رابطه با برخی از دستورات قرآن کریم مطالبی را مطرح کرده اند. من به چند مورد از این موارد اشاره می‌کنم. حضرت مسیح موعود علیه السلام با توجه به تعالیم والای عدالت خواهی می‌فرمایند:

”اجرای عدالت در قبال ملت‌هایی که به ناحق آسیب، درد و خونریزی می‌آورند، و دیگران را با سوءنیت تعقیب می‌کنند و کودکان و زنان را می‌کشند - مانند کافران مکه - بسیار دشوار است و از ایجاد درگیری دست برنمی‌دارند. (با وجود ظلم و ستم چنین افرادی، ما آموزه‌هایی برای نشان دادن عدالت داریم - وظیفه ای واقعاً دشوار). اما آموزه‌های قرآن حتی حق دشمن‌ترین دشمنان را نادیده نمی‌گیرد و به عدالت دستور می‌دهد.

این اصلی است که می‌تواند صلح را در جامعه ایجاد کند و صلح را در جهان تضمین کند. اگر ملت‌های امروزی که درگیر جنگ‌های دنیوی هستند این اصل را درک کنند، آنگاه می‌توان صلح برقرار کرد. در غیر این صورت،

شرایط در حال توسعه جهان را به سمت یک ویرانی فاجعه بار سوق می‌دهد. چه یک ملت یا همتایانش این تلاش را انجام دهد، چه رهبران از کشورهای دیگر مانند چین و غیره دیدن کنند، اما اگر عدالت را برقرار نکنند، نابودی حتمی خواهد بود. در نمونه ای دیگر، حضرت مسیح موعود علیه السلام مثال دیگری می‌آورند و می‌فرمایند:

”اگر کسی در زمان نزول قرآن، دنیا را بشناسد، به تعداد زیاد همسران عمل می‌کند. (ازدواج‌های زیادی انجام می‌شود و مردان تا ۸۰ یا حتی ۱۰۰ زن خواهند داشت). زنان مورد بی‌عدالتی‌های بسیاری قرار می‌گیرند (و با ظلم‌های زیادی روبرو می‌شوند). باید اعتراف کرد که قرآن کریم به جهانیان این نعمت را ارزانی داشته است که تمام این بی‌عدالتی‌ها را پایان دهد.» این لطف خداوند متعال و قرآن کریم است که با تعالیم خود به این گونه اعمال نادرست پایان داد. [قبل از اسلام] به زنان هیچ احترامی قائل نبودند. هیچ محدودیتی برای ازدواج وجود نداشت. هیچ حقوقی وجود نداشت قرآن کریم است که این حقوق را که قبل از اسلام مفهومی از آن وجود نداشت، تثبیت کرد.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: «قرآن مجید منحصر به دانشی نیست که از طریق استمرار شنیدن به دست می‌آید، بلکه دارای ادله مستدل و متقن است. هیچ یک از آموزه‌ها و اصول و احکامی که بیان می‌کند، صرفاً از طریق اختیار نمی‌خواهد (در احکام اجباری نیست) خداوند متعال می‌فرماید.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

اسلام سعی نمی‌کند چیزی را با اجبار القا کند، بلکه دلایلی را در حمایت از همه چیز بیان می‌کند. و همه چیز را با استدلال توضیح می‌دهد و فرد را به پذیرش آن تشویق می‌کند.

سپس حضرت مسیح موعود علیه السلام ضمن تحدید جهانیان نسبت به معارف کامل قرآن کریم می‌فرمایند:

همانا خدای مهربان ما که از اسرار دلها آگاه است، گواه من است که اگر کسی ذره ای خطا در تعالیم قرآن بیابد یا ثابت کند حاضرم کشته شوم. کتاب آسمانی خود او حتی حاوی کوچکترین امتیاز و بر خلاف تعالیم قرآن کریم و بهتر از آن است.

این ادعای بزرگی است که نمی‌توان آن را مطرح کرد مگر اینکه ایمان کامل و اعتقاد مطلق داشته باشد. حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند: اگر انسان به خداوند متعال ایمان آورد و سپس در احکامی که در قرآن آمده است تدبیر کند، دنیا را رها می‌کند و تماماً وقف خدا می‌شود. اگر انسان ایمان کامل داشته باشد و سپس در قرآن تدبیر کند، به جای غرق شدن در دنیاپرستی، توجهش به خدا معطوف می‌شود. خداوند متعال این شناخت را به همه عنایت فرماید.

حضرت مسیح موعود علیه السلام می‌فرمایند:

” از میان تمام کتب آسمانی امروز جهان، قرآن کریم تنها کتابی است که منشأ الهی آن را می‌توان با دلایل انکارناپذیر اثبات کرد. تنها کسی است که اصولش در باب رستگاری مبتنی بر حقیقت و فطرت انسانی است. (اصول آن در باب رستگاری مبتنی بر فطرت انسان است) که آموزه‌های آن جامع و استوار بر حقیقت است و با براهین قوی تأیید می‌شود. احکامش چیزی جز دستورهای حق نیست و آموزه‌هایش هیچ عیبی از بت پرستی و بدعت‌های بشری و خدایان دروغین ندارد. تعالیم آن با غیرت یگانگی، عظمت و تعالی خداوند را ترویج می‌کند. و در تثبیت وحدانیت خداوند جلیل تا لبه پر می‌شود. چیزی را که منافی با یگانگی او باشد یا هیچ عیب و نقص و صفت ناشایستی را به او نسبت نمی‌دهد. هیچ تعالیمی را بر ما تحمیل نمی‌کند (کسی را مجبور به پذیرش تعالیمش نمی‌کند، بلکه برای آن دلیل می‌آورد) ابتدا دلیل کافی در تأیید آن ارائه می‌کند و هر یک از اصول خود را با براهین و دلایل روشن توضیح می‌دهد و پیروان خود را به کمال می‌رساند.

تمام مفاسد، ناخالصی‌ها، عیب‌ها و تحریف‌هایی را که در عقاید، کردار، گفتار و کردار مردم راه یافته است، با استدلال‌های روشن و صریح از بین می‌برد. و تمام هنجارهای اخلاقی و اخلاقی را آموزش می‌دهد که آگاهی از آنها برای انسان شدن واقعی ضروری است. (برای متمدن شدن به آموزه‌های خاصی نیاز است که همه آنها را در قرآن کریم می‌توان یافت) در برابر هر شری رایجی که در هر عصری رواج دارد با نیرویی برابر مقاومت می‌کند. (اینطور نیست که آموزه‌های قرآن به نابسامانی یک دوره بپردازد، بلکه هر شری را

با همان نیرویی که در آن دوران گسترش یافته دفع می‌کند. مثلاً شری که امروز بیداد می‌کند، علاج آن نیز رواج دارد. در همان نیرو (و آموزه‌های آن سراسر است، مستدل و بی‌عیب و نقص است، گویی که بازتاب قوانین طبیعت و تصویری واقعی از وجدان انسانی است. همانا آنها چون خورشید نورانیت دل و دل هستند و نقص عقل را برطرف می‌کنند و همه آسیب‌های آن را اصلاح می‌کنند.» تمام نکات عقلی را که در چند کلمه بیان می‌شود به تفصیل بیان می‌کند و از ضرر جلوگیری می‌کند.

خداوند متعال ما را توفیق دهد که پیرو حقیقتاً از قرآن کریم باشیم و به هدایت آن عمل کنیم: ما را قادر سازد که قرآن را بفهمیم و زندگی خود را بر اساس تعالیم آن زندگی کنیم.

حتی بعد از ماه رمضان هم تلاش کنید که از برکات آن بهره ببرید که در ماه رمضان این کار را می‌کنید. در ماه رمضان مخصوصاً دعا کنید که از شر دشمنان جماعت در امان بمانید: خدا دست هر بدی را بگیرد.

همچنین دعا کنید که جهان از بی‌نظمی و آشفتگی در امان بماند. همین طور این روزها در فلسطین ناآرامی است، برای مسلمانان فلسطین دعا کنید که خداوند آنها را از ظلم ستمگران حفظ کند. خداوند به رهبران جهان اسلام عقل عطا فرماید که منافع شخصی خود را کنار بگذارند و از منافع مسلمین در کل محافظت کنند. خداوند متعال در این ماه رمضان درهای رحمت و برکات خود را بیش از پیش به روی ما بگشاید.

